

تأثیر جهانی شدن و کنترل فساد بر رشد اقتصادی کشورهای با درآمد سرانه پایین،
درآمد سرانه متوسط و درآمد سرانه بالا

**The Impact of Globalization and the Control of Corruption on
Economic Growth in Countries with Low Per Capita Income,
Middle Per Capita Income and High Per Capita Income**

Samad Hekmati Farid*, Ahmad Ezzati
Shoorgoli**, Reza Ezzati***, Ali Dehghani****

صمد حکمتی فرید*، احمد عزتی شورگلی**،
رضا عزتی***، علی دهقانی****

Received: 10/May/2014 Accepted: 27/July/2014

دریافت: ۱۳۹۳/۲/۲۰ پذیرش: ۱۳۹۳/۵/۵

چکیده:

Abstract:

This paper examines the relationship between control of corruption and globalization (with various aspects) on economic growth in countries with high per capita income, middle per capita income, and low per capita income over the period (2002-2010) using panel data from 113 different countries. According to the results of the various models, there is an inverted U relationship between control of corruption and economic growth. Moreover, the relationship between economic globalization and economic growth in countries with low per capita income is negative and significant. Also, social globalization in these countries has a negative impact on economic growth. However, overall index of globalization and political globalization has a positive impact on economic growth in these countries. Furthermore, in countries with high per capita income and middle per capita income, the impact of the three indicators of globalization (economic, social and political) and the overall index of globalization on economic growth is positive and significant.

این مقاله با استفاده از داده‌های تابلویی به بررسی اثرات کنترل فساد و جهانی شدن بر رشد اقتصادی کشورهای با درآمد سرانه بالا، کشورهای با درآمد سرانه متوسط و کشورهای با درآمد سرانه پایین، طی دوره (۲۰۱۰-۲۰۰۲) و در بین ۱۱۳ کشور مختلف جهان می‌پردازد. نتایج مطالعه گویای یک رابطه U معکوس بین کنترل فساد و رشد اقتصادی است. نتایج حاکی از آن است که رابطه بین جهانی شدن اقتصادی و رشد اقتصادی در کشورهای با درآمد سرانه پایین، منفی و معنی‌دار است، همچنین جهانی شدن اجتماعی بر رشد اقتصادی این نوع کشورها تأثیر منفی دارد، اما جهانی شدن سیاسی و شاخص کل جهانی شدن تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی این نوع کشورها دارد، همچنین در کشورهای با درآمد سرانه بالا و کشورهای با درآمد سرانه متوسط، تأثیر هر سه شاخص جهانی شدن (اقتصادی، اجتماعی و سیاسی) و شاخص کل جهانی شدن، بر رشد اقتصادی مثبت و معنی‌دار است.

Keywords: Economic Growth, Control of Corruption, Globalization, KOF Index, The Generalized Least Squares.

JEL: F62, D73, O4.

کلمات کلیدی: رشد اقتصادی، کنترل فساد، جهانی شدن، شاخص KOF،
حداقل مربعات تعمیم یافته.
طبقه‌بندی JEL: F62، D73، O4.

* استادیار گروه اقتصاد دانشگاه ارومیه (نویسنده مسئول)

Email: s.hekmati@urmia.ac.ir

** فارغ التحصیل کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه ارومیه

Email: ahmetezzati@gmail.com

*** دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و

تحقیقات ارومیه

Email: ayhan.gunduz2013@gmail.com

**** استادیار گروه اقتصاد دانشگاه شاهرود

Email: Ali_dehghani@shahroodut.ac.ir

* Assistant Professor of Economics, Urmia University, Urmia, Iran. (Corresponding Author).

** M.A. in Economics, Urmia University, Urmia, Iran.

*** M.A. Student in Economics, Azad University of Urmia, Urmia, Iran.

**** Assistant Professor of Economics, Shahrood University, Shahrood Iran.



۱- مقدمه

در ادبیات رشد و توسعه اقتصادی، رابطه بین جهانی شدن و رشد اقتصادی یکی از موضوعات جنجال برانگیز است. دیدگاه لیبرال غالب معتقد است که جهانی شدن با ارائه تجارت و فرصت‌های سرمایه‌گذاری برای ایجاد اشتغال منجر به کاهش نابرابری درآمدی و فقر می‌شود. البته این دیدگاه به عنوان توافق و اجماع واشنگتن نیز شناخته می‌شود که توسط سازمان‌های بین‌المللی همانند بانک جهانی^۱ (WB) و صندوق بین‌المللی پول^۲ (IMF) حمایت و پشتیبانی می‌شود. به خصوص در کشورهایی که از این سازمان‌های بین‌المللی درخواست کمک کرده‌اند، روند سریع جهانی شدن وجود دارد. واج زیراق و ولش^۳ (۲۰۰۸) بیان کرده‌اند، در حالی که ۲۲ درصد از کشورهای جهان در سال ۱۹۶۰ دارای سیاست آزاد تجاری بودند، این نسبت در سال ۲۰۰۰ به ۷۳ درصد افزایش یافته است. با این حال منتقدان این دیدگاه، ادعا می‌کنند که سطوح بالاتری از جهانی شدن اثر سوء بر اقتصاد ملی کشورها دارد که منجر به نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی، به دلیل افزایش ناامنی اقتصادی و ریسک دارد. استیگلیتز^۴ (۲۰۰۲) و رودریک^۵ (۲۰۰۷)، در زمره اقتصاددانان مؤثر و مشهور منتقد به دیدگاه اجماع واشنگتن هستند. بنابراین، این سؤال پیش می‌آید که آیا جهانی شدن در کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته، باعث رشد اقتصادی می‌شود یا نه؟ (راو و وادلاماناتی^۶، ۲۰۱۰: ۷۹۶).

اکثر ابعاد و جنبه‌های جهانی شدن به شدت با همدیگر مرتبط هستند و اگر به صورت جداگانه در یک رگرسیون آورده شوند، باعث مشکل هم‌خطی در مدل می‌شود. همچنین تأثیر تمام جنبه‌های جهانی شدن بر رشد اقتصادی مشخص نیست. در حقیقت این نوآوری و ابداع برای اولین بار توسط

آکسل دریهر در سال ۲۰۰۶ انجام گرفت. وی در مطالعه خود به بررسی رابطه جهانی شدن و رشد اقتصادی با استفاده از داده‌های تابلویی پرداخته است و از مهم‌ترین شاخص‌های جهانی شدن که شامل، یکپارچگی اقتصادی، یکپارچگی سیاسی، یکپارچگی اجتماعی است، استفاده کرده است که در نوع خود یک نوآوری، در زمینه محاسبه شاخص جهانی شدن، محسوب می‌شود. برای اندازه‌گیری این شاخص‌های جهانی شدن، ۲۳ متغیر با استفاده از روش‌های آماری با هم ترکیب شده‌اند (دریهر^۷، ۲۰۰۶: ۱۰۹۳).

همانند جهانی شدن، در رابطه با نحوه تأثیرگذاری فساد بر رشد اقتصادی هیچ توافق نظری وجود ندارد. به نحوی که برخی از محققین نشان دادند که ممکن است، فساد اثر مطلوبی در اقتصاد داشته باشد. در حقیقت کارکرد فساد در این حالت، همانند پرداخت نرخی به کارمندان دولت است که باعث ارائه کارآمدتر از خدمات دولتی می‌شود، به عبارتی یک راه‌گریز برای کارآفرینان برای دور زدن مقررات ناکارآمد است. از این منظر فساد به عنوان تسهیل کننده عملیات می‌باشد که بهره‌وری در اقتصاد را افزایش می‌دهد. اما از سویی دیگر فساد مانعی برای فعالیت‌های نوآورانه می‌باشد، زیرا فعالیت‌های نوآورانه نیاز به کالاهای و امکانات عرضه شده دولت مانند مجوز و سهمیه واردات دارند. این در حالی است که تقاضا برای این نوع کالاهای و امکانات بسیار بالا و باکشیش است. از این‌رو تبدیل به هدف اصلی فساد می‌شوند. علاوه بر این، نوآوران در جهت کسب کالاهای و امکانات عرضه شده توسط دولت قدرت چانه‌زنی نداشته و مجبور به پرداخت رشوه‌های بزرگ می‌شوند که در این حالت سرمایه‌گذاری خصوصی کاهش می‌یابد. از سویی دیگر فساد می‌تواند باعث اختلال در تخصیص مناسب کالاهای عمومی و کاهش مشروعیت دولت در ایجاد نهادهای حامی بازار شود. به طور کلی فساد می‌تواند بر عملکرد مناسب اقتصاد آسیب رسانده و موجب کاهش رشد اقتصادی شود

1. World Bank
2. International Montray Fund
3. Wacziarg & Welch (2008)
4. Stiglitz (2002)
5. Rodrik (2007)
6. Rao & Vadlamannati (2010)

7. Dreher (2006)

(مو^۱، ۲۰۰۱: ۶۶).

پیشینه مطالعات انجام شده، بخش چهارم، معرفی مدل و متغیرها و روش انجام تحقیق، بخش پنجم، یافته‌های تجربی تحقیق و در بخش ششم، نتیجه‌گیری ارائه شده است.

۲- مبانی نظری

۲-۱- مبانی نظری تأثیر جهانی شدن بر رشد اقتصادی

تفسیر اقتصاددانان کلاسیک در خصوص رابطه بین تجارت خارجی و رشد و توسعه اقتصادی این می‌باشد که تجارت خارجی عاملی برای رشد اقتصادی است. از نظر هلامینت نظریه تجارت بین‌المللی به سه دسته تقسیم می‌شود، اولین نظریه این است که بخش‌های صنعتی و کشاورزی کشورهای در حال توسعه به طور کامل و بهینه مورد استفاده قرار نگرفته است؛ پس با گسترش تجارت، این کشورها خواهند توانست تولید را افزایش دهند و یک مازاد تولید ایجاد کنند و آن مازاد را صادر کنند. جهانی شدن اقتصاد باعث می‌شود که منابع استفاده نشده نیروی کار و زمین مورد استفاده قرار بگیرد و با آن، کالاهای مازاد، تولید کنند و این مازاد را صادر کنند. نگرش دوم این است که تجارت ظرفیت‌های تولید در بخش‌های ذکر شده را بدون کاهش مصرف داخلی افزایش دهد و بخش‌های اقتصادی مازاد کالاهای تولید شده را صادر کنند. با واردات کالاهای صنعتی و دیگر فرآورده‌های مورد نیاز در مقابل صادرات، این مازاد ایجاد می‌شود. این همان نظریه مزیت مطلق آدام اسمیت است. در واقع نگرش دوم بیشتر به گسترش بازار و تعمیم تقسیم کار به وسیله بهبود در تکنولوژی و تخصص در تولید منجر می‌شود و مشکل ناکاملی‌های بازار داخل حل می‌شود. اما نگرش سوم بهره‌وری پویا می‌باشد که تجارت از طریق توسعه بازار و تقسیم کار باعث می‌شود از ظرفیت‌ها و ماشین‌آلات موجود استفاده بیشتری شود و نوآوری در تولید سپس بهره‌وری نیروی کار را نیز افزایش داده و در کل تجارت سبب می‌شود تا آن کشورها از بازده‌های فزاینده و توسعه گسترده اقتصادی بهره‌مند گردند. جان استوارت میل اثر تجارت را به دو اثر مستقیم و غیرمستقیم تفکیک می‌نماید. اثر مستقیم

در این تحقیق به بررسی رابطه جهانی شدن و کنترل فساد با رشد اقتصادی بر اساس گروه‌بندی کشورها به کشورهای کم‌درآمد، درآمد متوسط و پردرآمد، با استفاده از یک مدل تابلویی پرداخته شده است. بنابراین از مهم‌ترین شاخص‌های جهانی شدن که شامل: جهانی شدن اقتصادی، جهانی شدن سیاسی و جهانی شدن اجتماعی است، استفاده شده است. چنین رویکردی به ما اجازه می‌دهد که تجزیه و تحلیل‌های مختلفی از جنبه‌های مختلف جهانی شدن انجام دهیم. در این مقاله از شاخص جهانی محاسبه شده توسط مؤسسه اقتصادی KOF سوئیس استفاده می‌شود. در حال حاضر، این شاخص یکی از جامع‌ترین شاخص‌های جهانی شدن در نظر گرفته می‌شود، که توسط آکسل دریهر (۲۰۰۶) گسترش و توسعه یافته است. همچنین بانک جهانی از سال ۱۹۹۶، به صورت هر دو سال یک بار و از سال ۲۰۰۲ به بعد، به صورت سالانه، شش شاخص حکمرانی خوب را برای کشورهای مختلف مورد ارزیابی قرار می‌دهد، که در این تحقیق از شاخص کنترل فساد، که یکی از شاخص‌های حکمرانی خوب می‌باشد، استفاده شده است.

این مقاله با استفاده از تکنیک‌های اقتصادسنجی به دنبال پاسخ به پرسش‌های زیر می‌باشد:

۱. آیا بین جهانی شدن و رشد اقتصادی با در نظر گرفتن جنبه‌های مختلف جهانی شدن، در کشورهای با درآمد سرانه بالا، کشورهای با درآمد متوسط و کشورهای با درآمد سرانه پایین، رابطه وجود دارد و این رابطه به چه صورتی است؟

۲. بین کنترل فساد و رشد اقتصادی در کشورهای با درآمد سرانه بالا، کشورهای با درآمد متوسط و کشورهای با درآمد سرانه پایین رابطه وجود دارد و این رابطه به چه صورتی است؟

در ادامه این مقاله و در بخش دوم، مبانی نظری، بخش سوم،



این نوآوری با توجه به عوامل درونزا توضیح داده می‌شود. در دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی، بعضی از مطالعات در زمینه رشد اقتصادی پدید آمدند که رشد اقتصادی را از جنبه دیگری مورد مطالعه قرار دادند. این مطالعات (رودریک، ۱۹۹۶، آلسینا و همکاران، ۱۹۹۴، دلار، ۱۹۹۲، فرانکل و رومر^۳، ۱۹۹۶)، عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی همچون سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، درجه باز بودن اقتصاد، فن آوری (عوامل تکنولوژیکی)، جهانی شدن و مهاجرت را معرفی کردند (کارلوس^۴، ۲۰۱۲: ۱۸).

در زمینه تأثیر جهانی شدن (تجارت) بر رشد اقتصادی، مدل هکشر - اوهلین و قضیه استالپر - ساموئلسون، از اهمیت خاصی برخوردارند که در زیر به طور خلاصه به تعریف و تفسیر هر یک می‌پردازیم (رفعت و بیک‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۳).

مدل هکشر - اوهلین^۵، به عنوان مدل استاندارد تجارت بین‌الملل، عامل اساسی و تعیین کننده مزیت نسبی کشورها را، وفور نسبی عوامل تولید (زمین، منابع طبیعی، نیروی کار و سرمایه) می‌داند. بنابراین، کشوری که سرمایه نسبتاً فراوانی در اختیار دارد، در تولید کالاهای سرمایه‌بر تخصص یافته و به صادرات آنها اقدام خواهد نمود و در مقابل کشوری که نیروی کار نسبتاً فراوان تری دارد، با یافتن تخصص در تولید کالاهای کاربر، نسبت به صادرات آنها اقدام می‌نماید. بنابر مفاد این نظریه، کشورهای توسعه یافته در تجارت خود با کشورهای در حال توسعه، کالاهای و خدمات متکی بر نیروی کار ماهر را صادر و در مقابل کالاهای و خدمات متکی بر نیروی کار کم مهارت را وارد می‌نمایند.

قضیه استالپر - ساموئلسون، افزایش قیمت کالاهای داخلی به دلیل وضع تعرفه‌های بالاتر و یا حمایت‌های غیرتعرفه‌ای (چون وضع سهمیه) باعث افزایش قیمت واقعی نهاده‌ای خواهد شد که در تولید آن کالا سهم بیشتری دارد. مثلاً اگر در تولید رایانه، نیروی کار بیشتر و زمین کمتر و در تولید گندم، زمین بیشتر و

تجارت منجر به استفاده بیشتر از عوامل تولید و کارایی بیشتر در سطح بین‌المللی می‌شود. اما اثر غیرمستقیم آن منجر به گسترش بازار کالاها و خدمات و افزایش ابداعات و بهره‌وری و افزایش انباشت سرمایه می‌شود.

کینگ در خصوص منافع حاصل از تجارت و تأثیر آن بر رشد اقتصادی معتقد است که تجارت این فرصت را ایجاد می‌کند که کشورها در تولید کالاهایی که عوامل تولید آن کالاها را دارند تخصص کسب نمایند. همچنین تجارت برای کشورهای در حال توسعه که بازارها در آنها کوچک است و دارای هزینه‌های تولیدی بالا می‌باشند، منجر به ایجاد صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس تولید شده و با استفاده از روابط تجاری، صادرات را افزایش می‌دهد و صرفه‌های اقتصادی هزینه‌ها را کاهش می‌دهد. به طور کلی می‌توان گفت اقتصاددانان کلاسیک، تجارت را عامل اصلی در رشد اقتصادی می‌دانند (عاشورزاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۲).

موضوع همگرایی در برابر واگرایی اقتصادی یک بحث مهم و اساسی در طول دهه گذشته است. در دهه ۹۰ میلادی، مدل‌های رشد درونزا پدید آمدند. مدل رقابت انحصاری (درونزا) نشان داد که تجارت بین‌المللی، سرمایه‌گذاری خارجی و عوامل تکنولوژیکی باعث رشد اقتصادی می‌شوند. البته قبل از مطالعه همگرایی اقتصادی در برابر واگرایی اقتصادی، مهم است که رشد اقتصادی را از لحاظ پویایی مورد بررسی قرار دهیم. بدین ترتیب با جهانی شدن اقتصاد، مدل‌های تجربی و نظری دوباره بازبینی شدند. با توسعه و گسترش مدل‌های رشد درونزا توسط (رومر ۱۹۸۶، لوکاس ۱۹۸۸، گروسمن و هلپمن ۱۹۹۱، ربلو ۱۹۹۱، آقیون و هویت^۱، ۱۹۹۲)، با معرفی مفروضات رقابت انحصاری به توضیح رشد اقتصادی پرداخته شد. این مدل‌ها براساس مدل شومپیتر^۲ (۱۹۴۲) معرفی شدند. بدین ترتیب پیشرفت‌های فن آوری، یک نوآوری در بخشی از یک سیستم اقتصادی است. به نحوی که

3. (Rodrik (1996), Alesina et al. (1994), Dollar (1992), Frankel & Romer (1996)
4. Nuno Carlos (2012)
5. Heckscher-Ohlin

1. Romer (1986); Lucas (1988); Grossman & Helpman (1991); Rebelo (1991) Aghion & Howitt (1992)
2. Schumpeter (1942)

درگیر در اجرای سیاست‌های موجود در تعامل روزانه خود با شهروندان است. با توجه به اینکه رفتار فساد گونه مقامات دولتی بر هزینه‌ها و تصمیمات بنگاه‌ها و خانوارها تأثیر می‌گذارد، اقتصاددانان به دنبال پاسخ به این موضوع هستند که فساد، چگونه عملکرد اقتصاد (به خصوص رشد اقتصادی) را تحت تأثیر قرار می‌دهد (صالحین^۱، ۲۰۱۱: ۲۳).

بارو و سالای مارتین^۲ (۱۹۹۲) الگوهای سه گانه برای چگونگی حضور مخارج دولت در تابع ستاده کل را با تفکیک کالاها و خدمات عمومی براساس ویژگی‌های آنها در دو حوزه استثنایپذیری و رقابت‌پذیری، تعریف کرده‌اند. که با در نظر گرفتن تابع تولید کاپ‌داگلاس شکل تابع تولید به شکل زیر در می‌آید.^۳

$$y = Ak^{\alpha} L^{\beta} G^{\lambda} \quad (1)$$

G، میزان نهاده‌های عمومی استفاده شده توسط دولت در تولید است. تصمیم‌گیری دولت در این مدل در مورد انتخاب بین مقادیر مختلفی از سرمایه که از خانوار اجاره می‌کند و میزان کالای عمومی که تولید می‌کند، متمرکز می‌شود. این کالاها و خدمات در نهایت به عنوان نهاده در تابع ستاده بنگاه وارد خواهند شد. رابطه (۲) نشان می‌دهد که میزان کالاها و خدمات عمومی تولید شده توسط دولت، تابعی مستقیم از میزان سرمایه عمومی به کارگرفته شده است:

$$G = vk_g \quad (2)$$

رابطه $v \in (0,1)$ معرف میزان برون‌زای فساد در ساختار بخش عمومی و متغیر تبدیل سرمایه عمومی به کالاها و خدمات عمومی غیرمولد است (سامتی و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۵).

۲-۲-۱- دولت خیرخواه

یک دولت خیرخواه اجتماعی به دنبال فراهم نمودن میزان

نیروی کار کمتر به کار گرفته می‌شود، این قضیه نشان می‌دهد که با وضع تعرفه بر واردات رایانه، دستمزد واقعی کارگران نسبت به اجاره زمین افزایش خواهد یافت. بحث به این صورت است که در یک کشور کوچک تعرفه قیمت کالاهای وارداتی را نسبت به کالاهای صادراتی به مقدار تعرفه افزایش می‌دهد که با فرض همگن بودن کالاها، افزایش مشابه در قیمت کالاهای داخلی جایگزین واردات را در پی خواهد داشت و این امر به نوبه خود باعث انتقال منابع از تولید کالاهای صادراتی به تولید کالاهای جایگزین واردات خواهد گردید. در نتیجه تقاضا و به تبع آن دستمزد نسبی نهاده‌ای که در صنایع جایگزین واردات شدت کاربری فراوانتری دارد، نسبت به نهاده‌ای که شدت کاربری کمتری دارد افزایش می‌یابد. از آنجا که کالاهای جایگزین واردات از نهاده‌ای بیشتر استفاده می‌کنند که در کشور کمیاب‌تر است، بنابراین آزادسازی تجارت و کاهش حمایت تعرفه‌ای از کالاهای کارخانه‌ای، مانند کفش و لباس، که به طور نسبی نیروی کار غیرماهر بیشتری را استفاده می‌کنند باعث خواهد شد که دستمزد واقعی این گروه از کارگران نسبت به دستمزد دریافتی کارگران ماهر کاهش یابد.

۲-۲- مبانی نظری تأثیر فساد بر رشد اقتصادی

فساد به طور کلی، به استفاده از منابع عمومی در جهت منافع شخصی اطلاق می‌شود. به عبارتی، دریافت رشوه توسط مقامات دولتی، اختلاس توسط مقامات دولتی از منابعی که توسط دولت به آنها واگذار شده، تقلب در قالب دستکاری اطلاعات توسط مقامات دولتی برای رسیدن به منافع شخصی، اخاذی و جانبداری، به عنوان مصادیق اصلی و کلی فساد در یک اقتصاد هستند. فساد توسط بالاترین مقام‌های تصمیم‌گیرنده سیاسی، به عنوان فساد بزرگ یا فساد سیاسی شناخته می‌شود. فساد سیاسی شامل پرداخت رشوه‌های نسبتاً بزرگ برای نفوذ در تدوین سیاست‌ها و انتقال منافع حاصل شده از قراردادهای بزرگ طراحی شده، به سمت منافع شخصی است. فساد اداری و قضایی، فساد توسط کارمندان و مقامات قضایی

1. Mushfiq Swaleheen (2011)

2. Barro & Salai Martin (1992)

۳. برای توضیحات بیشتر در خصوص مبانی نظری دولت خیرخواه و دولت رانت‌جو و چگونگی ورود مخارج دولت به تابع تولید به مطالعه (سامتی و همکاران، ۱۳۹۱) مراجعه شود.



یک دولت نفع طلب با فرض آگاهی از میزان تقاضا برای نهاده‌های عمومی به دنبال حداکثر نمودن تابع (۶) توسط بخش خصوصی و مقدار اجاره سرمایه فوق است. دولت رانت‌جو رابطه (۶) را با توجه به قیود تصریح شده در رابطه ۱ و تابع تبدیل سرمایه عمومی در رابطه (۴) حداکثر می‌کند و مسئله دولت به صورت تابع زیر تغییر می‌کند.

$$z = \lambda \cdot y - r k_g \quad (7)$$

با انجام محاسبات جای‌گذاری و تعیین شرط مرتبه اول حداکثر نمودن تابع در رابطه (۷)، مقدار سرمایه عمومی در دولت رانت‌جو در رابطه (۸) تعیین شده است.

$$k_g^{cor} = \frac{\lambda^2}{\alpha(\lambda+1)} k_p \quad (8)$$

با استفاده از نتیجه حاصل در رابطه (۸)، میزان ستاده با وجود یک دولت رانت‌جو از رابطه (۱) و شرایط مرتبه اول برای حداکثر نمودن سود حاصل خواهد شد که در زیر ارائه شده است.

$$y^{cor} = \left(\frac{\lambda^2}{\alpha(\lambda+1)} \right)^\lambda v^\lambda k_p^{\lambda+\alpha} \quad (9)$$

با توجه به اینکه $0 < \lambda < 1$ می‌باشد با مقایسه مقدار تولید کل اقتصاد در دو حالت دولت رانت‌جو و دولت خیرخواه یعنی مقایسه دو رابطه (۹) و رابطه (۵) می‌توان دریافت که در حالتی که فساد و رانت‌خواری در دولت وجود داشته باشد، مقدار تولید کل نسبت به حالتی که فساد در دولت نباشد، کاهش می‌یابد (سامتی و همکاران، ۱۳۹۱، ۵۸).

۳- پیشینه مطالعات تجربی

۳-۱ مطالعات انجام شده در خارج

در زمینه رابطه بین جهانی شدن و کنترل فساد با رشد اقتصادی، مطالعات مختلفی در خارج انجام گرفته است که به طور خلاصه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

بلومستروم و همکاران^۱ طی دوره (۱۹۸۵-۱۹۶۰)، با در نظر گرفتن جنبه‌های مختلف سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی،

کارآی نهاده‌های عمومی در تابع ستاده کل است. بنابراین در یک شرایط رقابتی به گونه‌ای رفتار می‌کند که تولید نهایی سرمایه عمومی برابر با تولید نهایی سرمایه خصوصی باشد (سامتی و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۷):

$$\frac{\partial y}{\partial k_g} = \frac{\partial y}{\partial k_p} \quad (3)$$

Y ، ستانده کل و k_g ، سرمایه عمومی (بخش دولتی) و k_p ، سرمایه بخش خصوصی

با استفاده از روابط ۱ و ۲ و ۳، میزان سرمایه عمومی دولت خیرخواه به شکل زیر در می‌آید.

$$k_g^{ben} = \frac{\lambda}{\alpha} k_p \quad (4)$$

k_g^{ben} = میزان سرمایه عمومی دولت خیرخواه
و میزان ستانده کل با وجود دولت خیرخواه به شکل زیر در می‌آید.

$$y^{ben} = A L^\beta \left(\frac{\lambda}{\alpha} \right)^\lambda v^\lambda k_p^{\lambda+\alpha} \quad (5)$$

۲-۲-۲ دولت رانت‌جو

دولت کالاها و خدمات عمومی را با به کارگیری سرمایه عمومی که از مصرف‌کنندگان قرض گرفته، تولید می‌کند و به عنوان نهاده در اختیار بنگاه قرار می‌دهد که در تابع ستاده بنگاه منظور می‌شوند. در حالت وجود دولت رانت‌جو، فساد به عنوان مجموع رانت‌های انحصاری ایجاد شده توسط دولت و کارگزاران دولتی از بخش خصوصی مدلسازی و تعریف می‌شود. درآمدهای احتمالی ناشی از وجود فساد در ساختار بروکراسی دولت در عرضه نهاده‌های عمومی، معادل با مابه‌التفاوت درآمدهای ناشی از عرضه کالای عمومی با هزینه‌های ارائه آنها خواهد بود:

$$z = p \cdot g - r k_g \quad (6)$$

p ، قیمت یا هزینه استفاده از نهاده‌های عمومی توسط بنگاه

z ، سود بخش دولتی

g ، میزان کالاها و خدمات عمومی تولید شده توسط دولت

r ، قیمت اجاره‌ای سرمایه

منفی و معنی‌دار فساد بر رشد اقتصادی را نشان می‌دهد و در ۶۲ درصد برآوردها، فساد تأثیر معناداری بر رشد اقتصادی ندارد و ۶ درصد برآوردها، نشان دهنده تأثیر مثبت و معنادار فساد بر رشد اقتصادی است. همچنین در کشورهای MENA^۵ (کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه) فساد دارای تأثیر منفی بر رشد اقتصادی و در کشورهای آسیایی (به غیر از خاورمیانه) فساد دارای تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی است (کامپوس و همکاران^۶: ۲۰۱۰: ۱۹-۳).

رائو و وادلاماناتی با بررسی رابطه بین شاخص جهانی شدن KOF و رشد اقتصادی در ۲۱ کشور کمتر توسعه‌یافته آفریقایی به این نتیجه دست یافتند که، جهانی شدن تأثیر ضعیف اما معنی‌داری بر رشد اقتصادی در کشورهای ذکر شده دارد (رائو و وادلاماناتی، ۲۰۱۰: ۷۹۵).

صالحین^۷ طی دوره (۲۰۱۰-۱۹۸۴) با استفاده از یک مدل پانل پویا^۸ (GMM) به بررسی رابطه بین فساد و رشد اقتصادی پرداخته است و به این نتیجه رسید که بین فساد و رشد اقتصادی یک رابطه غیرخطی وجود دارد (صالحین، ۲۰۱۱: ۴۰-۲۳).

سها و مالیک^۹ طی دوره (۲۰۰۹-۱۹۸۴) با استفاده از یک مدل پانل پویا برای ۱۵۰ کشور جهان به بررسی اثر فساد بر رشد اقتصادی در چارچوب یک مدل غیرخطی پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیدند که فساد رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد اما نحوه این تأثیر غیرخطی است به نحوی که فساد در تمامی کشورها باعث کاهش رشد اقتصادی نمی‌شود و در کشورهایی که دارای سطح پائین فساد هستند، فساد باعث رشد اقتصادی می‌شود (سها و مالیک، ۲۰۱۲: ۸-۱).

گورگل و لاج^۹ طی دوره (۲۰۱۰-۱۹۹۰) در کشورهای اروپای شرقی و مرکزی، به بررسی رابطه بین جهانی شدن و رشد اقتصادی پرداختند. ضمن معرفی شاخص KOF با استفاده از شاخص‌های متنوع جهانی شدن (اقتصادی، سیاسی و

به این نتیجه رسیدند که جهانی شدن تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی در کشورهای پر درآمد دارد. اما در کشورهای کم درآمد تأثیری بر رشد اقتصادی ندارد (بلومستروم و همکاران، ۱۹۹۲: ۷۹۵).

گارت^۱ با استفاده از داده‌های مربوط به دوره (۱۹۸۵-۱۹۹۸) و با تقسیم‌بندی کشورها به سه گروه، کشورهای پردرآمد، کشورهای کم درآمد و کشورهای با درآمد متوسط، به این نتیجه دست یافت که جهانی شدن در کشورهای کم درآمد تأثیر منفی بر رشد اقتصادی دارد، ولی در کشورهای پردرآمد و با درآمد متوسط تأثیر مثبت دارد (گارت، ۲۰۰۱: ۴۶-۱).

مندز و سپولودا^۲ با استفاده از داده‌های دوره (۲۰۰۰-۱۹۶۰) و با تقسیم‌بندی کشورها به کشورهای پیشرفته و کشورهای کمتر توسعه یافته به این نتیجه رسیدند که رابطه غیرخطی فساد و رشد اقتصادی فقط در کشورهای پیشرفته برقرار است به نحوی که مقادیر پائین فساد تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی دارد اما پس از گذشتن از حد آستانه‌ای مقدار این تأثیر منفی می‌شود (مندز و سپولودا، ۲۰۰۶: ۸۲).

آی دی تی و همکاران^۳ با استفاده از داده‌های مربوط به دوره زمانی کوتاه‌مدت (۲۰۰۰-۱۹۹۵) و دوره نسبتاً بلندمدت (۲۰۰۰-۱۹۷۰) و با استفاده از یک مدل آستانه‌ای و با تعریف دو رژیم حکومتی متفاوت (رژیم با نهاده‌های کیفیت بالا و رژیم با نهاده‌های کیفیت پایین) به بررسی تأثیر فساد بر رشد اقتصادی پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیدند که فساد در رژیم با نهاده‌های کیفیت بالا تأثیر منفی بر رشد اقتصادی دارد و در رژیم با نهاده‌های کیفیت پایین تأثیر معناداری بر رشد اقتصادی ندارد (آی دی تی و همکاران، ۲۰۰۸: ۲۲۰-۱۹۵).

کامپوس و همکاران^۴ در مجموع ۴۶۰ برآورد تجربی، اثر فساد بر رشد اقتصادی را در ۴۱ مطالعه مختلف، مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که ۳۲ درصد برآوردها تأثیر

5. Middel East & North Africa

6. Swaleheen (2011)

7. Generalized Method of Moments

8. Saha & Mallik (2012)

9. Gurgul & Lach (2014)

1. Garrett (2001)

2. Mendez and Sepu Iveda (2006)

3. Aidt et al. (2008)

4. Campos et al. (2010)



مبارک و آذربایوند طی دوره (۲۰۰۵-۱۹۸۵) و با استفاده از روش داده‌های ترکیبی، به بررسی شاخص‌های حکمرانی خوب از منظر اسلام و تأثیر آن بر رشد اقتصادی و به بررسی تأثیر عوامل نهادی در کنار عامل‌های اقتصادی دیگر بر رشد اقتصادی پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد میزان اثرگذاری فاکتورهای نهادی و حکمرانی برای کشورهای مصر، ایران، ترکیه و اندونزی نسبت به کشورهای دیگر اثرگذاری کمتری دارد. از نتیجه‌های به دست آمده می‌توان استنتاج کرد که نهادهای حاکمیتی یا در شکل کلی‌تر حکمرانی خوب نسبت به نهادهای دموکراتیک اهمیت بیشتری برای رشد و توسعه اقتصادی دارند (مبارک و آذربایوند، ۱۳۸۸: ۱۷۹).

مهدوی و همکاران با استفاده از داده‌های ۵۷ کشور مختلف جهان طی دوره (۲۰۰۵-۱۹۹۰)، و با استفاده از تکنیک اقتصادسنجی داده‌های تابلویی به این نتیجه رسیدند که در کشورهای توسعه یافته به لحاظ بازار مالی تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی مثبت و معنی‌دار و در کشورهای کم‌تر توسعه یافته به لحاظ بازار مالی تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی معنی‌دار نیست (مهدوی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۱).

رفعت و بیکزاده طی دوره زمانی (۲۰۰۹-۲۰۰۱)، و با استفاده از سیستم معادلات همزمان در چارچوب داده‌های تابلویی، به بررسی همزمان آثار یکپارچگی اقتصادی، رشد اقتصادی و اشتغال بر یکدیگر در کشورهای اکو پرداخته‌اند. ایشان ضمن معرفی شاخص جهانی شدن (KOF) آثار این فرآیند را بر رشد اقتصادی و اشتغال در بین کشورهای اکو به طور همزمان بررسی نمودند و به این نتیجه رسیدند که، تشکیل اتحادیه اکو باعث افزایش ۴۸٪ (یعنی حدوداً ۵ برابر شدن) در تجارت و افزایش ۶۳٪ در رشد اقتصادی و همچنین کاهش ۹٪ در اشتغال این کشورها شده است. از طرفی اثر رشد بر میزان اشتغال در کشورهای عضو با در نظر گرفتن شاخص جهانی شدن KOF منفی و معنی‌دار است (رفعت و بیکزاده، ۱۳۹۱: ۹).

احمدی و همکاران طی دوره (۲۰۰۶-۱۹۸۰)، با استفاده از

اجتماعی) به این نتیجه رسیدند که رابطه مثبت و معنی‌داری بین سه شاخص ذکر شده و رشد اقتصادی وجود دارد (گورگل و لاج، ۲۰۱۴: ۹۹).

۲-۳ مطالعات انجام شده در داخل

سلمانی و یآوری با استفاده از داده‌های کشورهای صادرکننده نفت طی دوره (۱۹۹۹-۱۹۶۰)، و با استفاده از یک مدل داده‌های تابلویی به این نتیجه رسیدند که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رشد صادرات تأثیر مثبت و مخارج دولت و تورم تأثیر منفی بر رشد اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت دارد (سلمانی و یآوری، ۱۳۸۳: ۳۷).

رحیمی‌بروجردی با استفاده از داده‌های ۷۴ کشور مختلف جهان طی دوره (۱۹۹۰-۱۹۶۰)، و با استفاده از یک مدل تابلویی به تخمین‌های (حداقل مربعات متغیر مجازی) و تخمین‌های (حداقل مربعات وزنی) پرداخته و نتایج بدست آمده نشان دهنده، تأثیر مثبت درجه باز بودن تجاری بر رشد اقتصادی است (رحیمی‌بروجردی، ۱۳۸۵: ۱۸۲-۱۶۳).

برادران شرکاء و ملک‌الساداتی طی دوره (۲۰۰۵-۱۹۹۶) در نمونه‌ای مشتمل بر ۳۰ کشور به بررسی تأثیر حکمرانی خوب (بر اساس شاخص‌های بانک جهانی) بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که نه تنها حکمرانی خوب بر اساس میانگین موزون ۶ شاخص حکمرانی تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی دارد بلکه علاوه بر آن هر یک از ۳ گروه مؤلفه‌های حکمرانی خوب نیز تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی دارند (برادران شرکاء و ملک‌الساداتی، ۱۳۸۷: ۲۷).

صباحی و ملک‌الساداتی طی دوره زمانی (۲۰۰۶-۱۹۹۶)، در نمونه‌ای وسیع از کشورهای جهان، به بررسی تأثیر کنترل فساد مالی بر رشد اقتصادی پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که در کشورهای پردرآمد، کنترل فساد تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارد و در کشورهای کم‌درآمد کنترل فساد تأثیری بر رشد اقتصادی ندارد (صباحی و ملک‌الساداتی، ۱۳۸۸: ۱۳۱).

جهانی شدن اجتماعی، PLO، شاخص جهانی شدن سیاسی، CORR، شاخص کنترل فساد و OVER به عنوان شاخص کل جهانی شدن می‌باشد.

لازم به ذکر است که با استفاده از مدل (۱)، به بررسی رابطه U معکوس، بین کنترل فساد و رشد اقتصادی پرداخته می‌شود که این کار، بر اساس نتایج مطالعه ساه و مالیک (۲۰۱۲) و صالحین (۲۰۱۱) انجام می‌گیرد، تا در صورت وجود یک رابطه U معکوس بین این دو متغیر، با گروه‌بندی کشورها به سه گروه، کشورهای با درآمد سرانه بالا، کشورهای با درآمد سرانه پائین و کشورهای با درآمد متوسط، به بررسی دقیق نحوه رابطه بین این دو متغیر در بین سه گروه ذکر شده پرداخته شود.

همچنین با استفاده از مدل‌های (۲)، (۳)، (۴) و (۵) به ترتیب به بررسی رابطه بین جهانی شدن اقتصادی، جهانی شدن اجتماعی، جهانی شدن سیاسی و شاخص کل جهانی شدن، با رشد اقتصادی در سه گروه کشورهای ذکر شده پرداخته می‌شود تا نحوه رفتار جهانی شدن و کنترل فساد با رشد اقتصادی در کشورهای مختلف به طور دقیق مشخص شود.

لازم به ذکر است که به منظور برآورد مدل، از روش داده‌های تابلویی و از داده‌های مربوط به ۱۱۳ کشور مختلف جهان طی دوره (۲۰۱۰-۲۰۰۲) استفاده شده است. با توجه به ناهمگن بودن ویژگی‌های کشورهای مختلف، به منظور رفع این ایراد اساسی، تا نتایج تحقیق واقع بینانه‌تر و صحیح‌تر باشد، کشورها با توجه به تقسیم‌بندی بانک جهانی به کشورهای با درآمد سرانه بالا، کشورهای با درآمد سرانه پائین، تقسیم‌بندی شده‌اند. در این تقسیم‌بندی، کشورها به ۱۸ کشور با درآمد سرانه پائین، ۵۴ کشور با درآمد سرانه متوسط و ۴۱ کشور با درآمد سرانه بالا، تقسیم بندی شدند. براساس ادبیات اقتصادسنجی داده‌های تابلویی، قبل از تخمین مدل لازم است، به بررسی مانایی متغیرها پرداخته شود، تا در برآورد مدل، دچار رگرسیون کاذب نشویم. با توجه به آزمون‌های موجود برای مانایی متغیرهای

روش تصحیح خطای برداری پانلی به این نتیجه رسیدند که در هر سه گروه از کشورها (از لحاظ درآمدی) یک ارتباط مثبت و از نظر آماری معنی‌دار میان رشد اقتصادی و جریان FDI وجود دارد. شواهد قوی از علیت گرنجری میان این دو متغیر در تمام گروه‌های درآمدی وجود دارد (احمدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۹).

۴- معرفی مدل و متغیرها و روش انجام تحقیق

با توجه به مباحث مطرح شده در بخش مبانی نظری و پژوهش‌های انجام شده در زمینه نحوه تأثیر فساد و جهانی شدن بر رشد اقتصادی و با توجه به مطالعات مندز و سپولودا (۲۰۰۶)، صالحین (۲۰۱۱) و ساه و مالیک (۲۰۱۲) الگوهای زیر برای این تحقیق در نظر گرفته شده است.

مدل شماره (۱)

$$Lgdp_{it} = \alpha_0 + \beta_1 LLAB_{it} + \beta_2 LKAP_{it} + \beta_3 CORR_{it} + \beta_4 CORR_{it}^2$$

مدل شماره (۲)

$$Lgdp_{it} = \alpha_0 + \beta_1 LLAB_{it} + \beta_2 LKAP_{it} + \beta_3 ECO_{it} + \beta_4 CORR_{it}$$

مدل شماره (۳)

$$Lgdp_{it} = \alpha_1 + \beta_1 LLAB_{it} + \beta_2 LKAP_{it} + \beta_3 SOC_{it} + \beta_4 CORR_{it}$$

مدل شماره (۴)

$$Lgdp_{it} = \alpha_2 + \beta_1 LLAB_{it} + \beta_2 LKAP_{it} + \beta_3 PLO_{it} + \beta_4 CORR_{it}$$

مدل شماره (۵)

$$Lgdp_{it} = \alpha_3 + \beta_1 LLAB_{it} + \beta_2 LKAP_{it} + \beta_3 OVER_{it} + \beta_4 CORR_{it}$$

که در آن LGDP، لگاریتم تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۲۰۰۵، LLAB، لگاریتم نیروی کار، LKAP، لگاریتم تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به قیمت ثابت سال ۲۰۰۵، ECO، شاخص جهانی شدن اقتصادی، SOC، شاخص



۵- یافته‌های تجربی تحقیق

۵-۱- مانایی

اگر متغیرها نامانا باشند، برآورد مدل بدون توجه به این نکته، درست و صحیح نخواهد بود و رگرسیون بدست آمده یک رگرسیون کاذب خواهد بود که بیانگر هیچ نوع ارتباط تئوریک بین متغیرها نخواهد بود. به منظور جلوگیری از تخمین یک رگرسیون کاذب لازم است، ابتدا ویژگی مانایی متغیرها بررسی شود، بدین منظور آزمون ریشه واحد پانلی لوین و همکاران جهت بررسی مانایی متغیرها، در چارچوب دو مدل با عرض از مبدأ و روند و مدل با عرض از مبدأ و بدون روند در سطح معناداری ۵ درصد مورد بررسی قرار داده می‌شود. به منظور برآورد مدل (۱) بایستی متغیرهای این مدل مانا باشد، بدین منظور، به آزمون ریشه واحدی تمامی داده‌های تحقیق (ترکیب داده‌های هر سه گروه کشورهای با درآمد بالا، با درآمد سرانه متوسط، با درآمد سرانه پایین) پرداخته می‌شود که نتایج نشان دهنده مانا بودن متغیرهای مذکور در سطح می‌باشد. همچنین نتایج بدست آمده برای سه گروه کشورهای ذکر شده، بیانگر مانا بودن تمامی متغیرهای تحقیق، برای هر سه گروه کشورهای ذکر شده در سطح می‌باشد (به منظور برآورد مدل‌های شماره ۲ تا ۴).

۵-۲- نتایج تخمین مدل‌های تحقیق

با توجه به اینکه تمامی متغیرهای موجود در مدل‌های ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ در سطح مانا هستند بنابراین، با توجه به آزمون‌های F لیمر و هاسمن، به منظور انتخاب روش مناسب، اقدام به برآورد مدل‌های مذکور می‌شود. لازم به ذکر است که چون یکی از فروض مدل کلاسیک، همسانی واریانس بین اجزاء اخلاص می‌باشد، به منظور عدم نقض این فرض، از روش حداقل مربعات تعمیم یافته در تمامی مدل‌ها، استفاده می‌شود.

پانلی، از آزمون ریشه واحد لوین و همکاران^۱ (۲۰۰۲)، برای بررسی مانایی متغیرها استفاده می‌شود. همچنین در صورت مانا بودن متغیرها، با توجه به عدم مشکل برآورد مدل کاذب، اقدام به برآورد مدل می‌شود، بدین منظور با استفاده از آزمون F لیمر، بررسی می‌شود که آیا تفاوت فردی یا به اصطلاح ناهمگنی در مقاطع وجود دارد یا اینکه مقطع‌ها با هم همگن هستند؟ برای این تخمین می‌بایست داده‌های آماری را روی هم انباشته کرد و به روش OLS معمولی (پولینگ دیتا) برآورد را انجام داد یا روش پانل دیتا مناسب است؟ با استفاده از F لیمر^۲ می‌توان وجود ناهمگنی را در بین مقاطع مشخص کرد. در حقیقت فرضیه صفر آزمون F لیمر مبتنی بر همگن بودن مقاطع (پولینگ دیتا^۳ بودن داده‌های آماری) است. چنانچه فرضیه صفر رد شود، فرضیه مقابل آن مبتنی بر وجود ناهمگنی بین مقاطع (پانل دیتا بودن داده‌های آماری) پذیرفته می‌شود. بعد از مشخص شدن اینکه آیا مقاطع همگن هستند یا غیرهمگن، باید مشخص شود که خطای تخمین، ناشی از تغییر در مقاطع است یا اینکه در طی زمان رخ داده است. با نظر گرفتن چنین خطاهایی با دو اثر ثابت و اثر تصادفی مواجه هستیم. از آزمون هاسمن^۴ برای مشخص شدن اثر ثابت و تصادفی استفاده می‌کنیم. در آزمون هاسمن، فرضیه صفر مبتنی بر اینکه بین اجزای اخلاص و متغیرهای توضیحی همبستگی وجود ندارد (روش اثرات تصادفی) در مقابل فرض روش اثرات ثابت (بین اجزای اخلاص و متغیرهای توضیحی همبستگی وجود دارد) قرار دارد. بعد از مشخص شدن اینکه کدام روش پولینگ دیتا، اثرات ثابت یا اثرات تصادفی مناسب‌تر است، با توجه به روش انتخاب شده، مدل‌های مورد نظر را برای سه گروه کشورهای ذکر شده برآورد می‌کنیم.

1. Levin et al. (2002)
2. F-Limer Test
3. Pooling Data
4. Hausmen Test

۲-۱-۲-۵- نتایج تخمین رابطه U معکوس بین کنترل فساد و رشد اقتصادی

کاهش یافته و در نهایت در کشورهای با درآمد سرانه بالا، شیب نمودار منفی شده است. اما این یک طرف قضیه است و طرف دیگر مربوط به رابطه غیرخطی بین کنترل فساد و رشد اقتصادی در خود کشورهای با درآمد سرانه بالا است.

جدول (۱): نتایج تخمین مدل رابطه U معکوس بین کنترل فساد و رشد

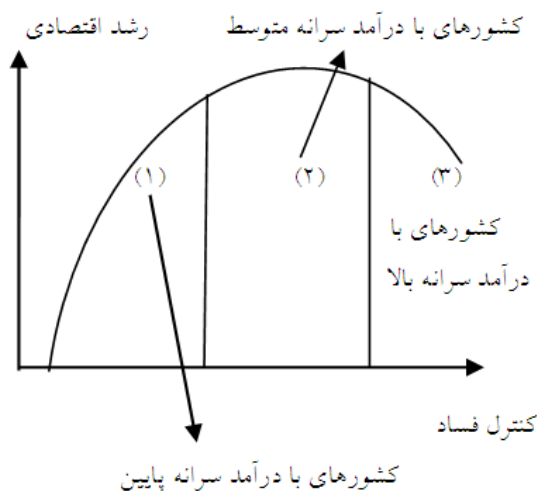
اقتصادی برای ۱۱۳ کشور مختلف جهان

روش تخمین: روش حداقل مربعات تعمیم یافته با استفاده از اثرات ثابت

متغیر	ضریب	آماره t	احتمال
LL	۰/۷۲ *	۳۵/۰۲	۰/۰۰۰
LK	۰/۳۰ *	۴۴/۰۶	۰/۰۰۰
CORR	۰/۰۱ *	۲/۶۱	۰/۰۰۸
CORR^2	-۰/۰۰۹ *	-۲/۵۲	۰/۰۰۰
C	۶/۶۳ *	۲۶/۶۶	۰/۰۰۰
R ² تعدیل شده:		آماره F	آماره t
		لیمر: ۳۹۴/۲۸	هاسمن: ۱۲۰۵/۸۹

***: به ترتیب سطوح معناداری ۱، ۵، ۱۰ درصد است.

مأخذ: نتایج تحقیق



نمودار (۱): رابطه رشد اقتصادی و کنترل فساد

مطابق با جدول ۲، تأثیر کنترل فساد تا سطحی باعث کندی رشد در این نوع کشورها می‌شود (به عبارتی کاهش کنترل فساد که می‌تواند معیاری بر افزایش فساد اداری باشد، باعث رشد اقتصادی در این نوع کشورها می‌شود) اما افزایش کنترل فساد رفته رفته تأثیر مثبت خود را در اقتصاد ظاهر می‌سازد، به نحوی که با توجه به ضریب منفی و غیرمعنی دار دوم متغیر

چنانچه قبلاً نیز اشاره شد، این کار بر اساس نتایج مطالعات ساها و مالیک (۲۰۱۲) و صالحین (۲۰۱۱) انجام می‌گیرد تا بررسی شود که آیا بین کنترل فساد و رشد اقتصادی رابطه U معکوس وجود دارد؟ بدین منظور با توجه به آماره آزمون F لیمر، و رد شدن فرضیه صفر، مبنی بر همگن بودن مقاطع، از روش تابلویی برای برآورد مدل استفاده می‌شود. همچنین با توجه به آماره آزمون هاسمن و رد شدن فرضیه صفر مبنی بر استفاده از روش اثرات تصادفی، با استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم یافته و با استفاده از اثرات ثابت مدل (۱) برآورد شده است که نتایج آن در جدول (۱)، نشان دهنده این است که بین رشد اقتصادی و کنترل فساد یک نوع رابطه U معکوس وجود دارد، به نحوی که در مراحل اولیه رشد اقتصادی (کشورهای با درآمد سرانه پایین)، با افزایش کنترل فساد رشد اقتصادی افزایش می‌یابد (با توجه به معنی دار بودن و تأثیر مثبت متغیر CORR بر رشد اقتصادی) زیرا عمدتاً کشورهای با درآمد سرانه پایین دارای سطح کنترل فساد پایینی هستند و کنترل فساد موجب افزایش رشد اقتصادی آنها می‌شود. با افزایش رشد اقتصادی و رسیدن به مراحل توسعه یافتگی بالا، با افزایش کنترل فساد، رشد اقتصادی کاهش می‌یابد، زیرا از یک سو، میزان کنترل فساد در کشورهای با درآمد سرانه بالا در سطح بالایی قرار دارد، و از سویی چنانچه، کنترل فساد در این نوع کشورها افزایش یابد نوعی مانع برای سرمایه‌گذاری ایجاد می‌شود، که می‌تواند منجر به کاهش رشد اقتصادی شود. در حقیقت نمودار شماره (۱) نوع رابطه بین این دو متغیر را نشان می‌دهد که ناحیه (۱) مربوط به کشورهای با درآمد سرانه پایین، ناحیه (۲)، مربوط به کشورهای با درآمد سرانه متوسط و ناحیه (۳) مربوط به کشورهای با درآمد سرانه بالا است. لازم به ذکر است که مطابق با نمودار (۱)، مقدار شیب نمودار، برای کشورهای با درآمد سرانه پایین بیشتر از کشورهای با درآمد سرانه بالاست و مطابق با نمودار رفته رفته مقدار این شیب



دیگر صالحین نیز معتقد است که با افزایش فساد اداری و پرداخت رشوه، انباشت سرمایه انسانی و به تبع آن رشد اقتصادی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. اما با در نظر گرفتن یک میزان مشخص از رشوه در بین اقتصادها، در کشورهای بزرگ با درآمد سرانه پائین و سرمایه انسانی پائین، تأثیر فساد بر رشد اقتصادی منفی است، اما در کشورهای با درآمد سرانه بالا با وجود سرمایه انسانی بالا، می‌توان حد آستانه‌ای برای کنترل فساد در نظر گرفت. اما مندوز و سپولدا، معتقد هستند که وجود چنین رابطه غیرخطی بین فساد و رشد اقتصادی در کشورهای با درآمد سرانه بالا و وجود حد آستانه‌ای غیر صفر فساد در این نوع کشورها به سه عامل اصلی برمی‌گردد. الف: در کشورهای با درآمد سرانه بالا، فساد به صورت برنامه‌ریزی شده از سمت دولت است به نحوی که کارمندان دولت نمی‌توانند همانند کارمندان کشورهای با درآمد سرانه پائین به شکل سازمان یافته و به صورت جمعی دست به رشوه‌خواری بزنند. ب: زمانی امکان وجود تأثیر مثبت فساد بر رشد اقتصادی (تا حد آستانه‌ای) وجود دارد که آن کشور دارای حکومت خوب یا به اصطلاح (Good Governance) باشد. زیرا در حکومت خوب، هدف از فساد اداری برای دولت و کارمندان دولت، ایجاد رقابت با هدف تولیدی بین شرکت‌ها است نه نفع شخصی. ج: دو مورد بالا بیشتر معطوف به دولت بود این در حالی است که خود شرکت‌ها و افراد نیز در کشورهای با درآمد سرانه بالا و پیشرفته با هدف تولید بیشتر دست به فساد می‌زنند و عمدتاً فساد که رخ می‌دهد به سمت کارهای تولیدی سوق می‌یابد اما در کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته، هدف از فساد اداری، بیشتر معطوف به انباشت سرمایه شخصی و کارهای غیرتولیدی است.

۵-۲-۲- نتایج تخمین تأثیر کنترل فساد و جهانی شدن (با جنبه‌های مختلف) بر رشد اقتصادی در کشورهای با درآمد سرانه پائین

با استفاده از داده‌های ۱۸ کشور با درآمد سرانه پائین

کنترل فساد و ضریب مثبت و معنی‌دار توان درجه سوم کنترل فساد، رابطه غیرخطی بین دو متغیر مذکور بین کشورهای با درآمد سرانه بالا قابل درک است (لازم به ذکر است که نتایج بدست آمده از این منظر مطابق با نتایج مندوز و سپولدا، ۲۰۰۶: ۹۳-۹۱، است).

جدول (۲): نتایج تخمین رابطه غیرخطی بین کنترل فساد و رشد

اقتصادی در کشورهای با درآمد سرانه بالا

روش تخمین: روش حداقل مربعات تعمیم یافته با استفاده از اثرات ثابت

متغیر	ضریب	آماره t	احتمال
LL	۰/۴۸ *	۱۲/۲۵	۰/۰۰۰
LK	۰/۳۲ *	۲۵/۲۸	۰/۰۰۰
CORR	-۰/۰۱۷ ***	-۱/۶۹	۰/۰۹۱
CORR^2	-۰/۰۰۲	-۰/۸۶	۰/۳۸۸
CORR^3	۰/۰۰۰۱ ****	۱/۹۳	۰/۰۵۳
C	۶/۶۳ *	۲۶/۶۶	۰/۰۰۰

*، **، ***: به ترتیب سطوح معناداری ۱، ۵، ۱۰ درصد است.

مأخذ: نتایج تحقیق

در حقیقت وجود چنین رابطه‌ای بین کنترل فساد یا به عبارتی دیگر خود فساد با رشد اقتصادی را می‌توان از جهات مختلفی بررسی کرد. در حقیقت بیشتر محققان اعتقاد به تأثیر منفی و خطی بین فساد و رشد اقتصادی دارند، که در این تحقیق این نوع رابطه برای کشورهای با درآمد سرانه پایین و متوسط مشاهده شد، اما در مورد کشورهای با درآمد سرانه بالا، قضیه تا حدودی فرق دارد، به نحوی که کاهش کنترل فساد (افزایش فساد اداری)، تا قبل از رسیدن به حد آستانه‌ای تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی دارد. در حقیقت محققان وجود چنین رابطه‌ای را به علت‌های مختلف نسبت می‌دهند. ساها و مالیک معتقد هستند که به علت اینکه در کشورهای پیشرفته و با درآمد سرانه بالا میزان فساد پائین است و از سویی دیگر کنترل فساد نیز در سطح بالایی است و از آنجا که در کشورهای با درآمد سرانه پائین قضیه کاملاً برعکس است، سطح آستانه‌ای کنترل فساد برای کشورهای با درآمد سرانه پائین وجود ندارد، اما در مورد کشورهای با درآمد سرانه بالا یک حد آستانه‌ای برای فساد برای این نوع کشورها قابل درک است. از سویی

کشورهای توسعه نیافته) طی دوره زمانی (۲۰۱۰-۲۰۰۲) و نیز استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم یافته با بهره‌گیری از روش اثرات ثابت برای ۴ مدل مذکور، نتایجی که در جدول ۳، گزارش شده است، حاصل گردید:

با توجه به نتایج، تأثیر تمامی متغیرها در تمامی مدل‌ها معنی‌دار است، در حقیقت نتایج حاصل شده را از سه جنبه می‌توان بررسی کرد، الف: تأثیر کنترل فساد بر رشد اقتصادی: مطابق انتظار تأثیر این متغیر در کشورهای مذکور مثبت و معنی‌دار است که در تمامی مدل‌ها، تأیید می‌گردد. از این منظر ناحیه (۱) نمودار یک تأیید می‌گردد. ب: کشش نیروی کار و سرمایه در کشورهای با درآمد سرانه پایین: با توجه به نتایج، در کشورهای توسعه نیافته، تولید ناخالص داخلی نسبت به نیروی کار حساسیت بیشتری نسبت به سرمایه دارد (که در هر ۴ مدل

تأیید می‌شود). به نحوی که در مدل ۲ و ۳ تولید ناخالص داخلی نسبت به نیروی کار، با کشش است. ج: تأثیر جنبه‌های مختلف جهانی شدن بر رشد اقتصادی: با توجه به نتایج حاصل شده، تأثیر شاخص کل جهانی شدن و جهانی شدن سیاسی در کشورهای مذکور مثبت می‌باشد، از سویی تأثیر جهانی شدن اجتماعی و اقتصادی تأثیر منفی بر رشد اقتصادی در این نوع کشورها دارد. لازم به ذکر است که نتایج مطالعات گارت (۲۰۰۱)، نیز دلالت بر تأثیر منفی جهانی شدن اقتصادی بر کشورهای کم درآمد دارد. در حقیقت به علت عدم ناتوانی این نوع کشورها برای رقابت در صحنه جهانی و عدم زیر ساخت‌های لازم برای جهانی شدن، جهانی شدن این نوع کشورها تا حد زیادی مخاطره‌آمیز است.

جدول (۳): نتایج تخمین رابطه بین کنترل فساد و جهانی شدن با رشد اقتصادی در کشورهای با درآمد سرانه پایین

روش تخمین: حداقل مربعات تعمیم یافته با استفاده از اثرات ثابت متغیر وابسته LGDP

متغیر	مدل (۲)	مدل (۳)	مدل (۴)	مدل (۵)
LLAB	۱/۱۰* (۱۳/۷۶)	۱/۰۸* (۱۴/۱۴)	۰/۹۱* (۱۳/۲۴)	۰/۹۶* (۱۱/۲۳)
LKAP	۰/۲۳* (۱۰/۳۱)	۰/۲۴* (۱۰/۸۶)	۰/۲۰* (۱۰/۸۵)	۰/۲۲* (۹/۷۶)
CORR	۰/۰۶۲* (۳/۹۸)	۰/۰۵۹* (۳/۹۱)	۰/۰۴۷* (۳/۲۹)	۰/۰۳۷** (۲/۳۵)
ECO	-۰/۰۰۲*** (-۱/۸۷)			
SOC		-۰/۰۰۳** (-۲/۵۲)		
PLO			۰/۰۰۲* (۴/۹۲)	
OVER				۰/۰۰۵** (۲/۵۲)
	R^2 تعدیل شده: ۰/۹۹	R^2 تعدیل شده: ۰/۹۹	R^2 تعدیل شده: ۰/۹۹	R^2 تعدیل شده: ۰/۹۹
	آماره F لیمر: ۱۳۸/۱۹	آماره F لیمر: ۱۳۱/۳۵	آماره F لیمر: ۱۹۲/۷۲	آماره F لیمر: ۱۵۲/۹۱
	آماره آزمون هاسمن: ۱۰۰/۳۹	آماره آزمون هاسمن: ۹۶۷۰	آماره آزمون هاسمن: ۷۳/۴۳	آماره آزمون هاسمن: ۸۲/۲۵

اعداد داخل پارانتر آماره t هستند

***: به ترتیب سطوح معناداری ۱، ۵، ۱۰ درصد است

مأخذ: نتایج تحقیق

مربعات تعمیم یافته با بهره‌گیری از روش اثرات ثابت برای ۴ مدل مذکور، نتایج زیر حاصل گردید، که در جدول (۴)، گزارش شده است. با توجه به نتایج، تمامی متغیرها در ۴ مدل مورد نظر، در سطح ۱۰ درصد معنی‌دار هستند، در حقیقت نتایج حاصل شده نشان دهنده این است که تأثیر کنترل فساد بر

۵-۲-۳- نتایج تخمین تأثیر کنترل فساد و جهانی شدن (ب) جنبه‌های مختلف) بر رشد اقتصادی در کشورهای با درآمد سرانه متوسط

با استفاده از داده‌های ۵۴ کشور با درآمد سرانه متوسط طی دوره زمانی (۲۰۱۰-۲۰۰۲) و نیز استفاده از روش حداقل



رشد اقتصادی، مطابق انتظار در کشورهای مذکور مثبت و معنی دار است که در تمامی مدل‌ها، تأیید می‌گردد. مقایسه ضرایب این متغیر، در کشورهای با درآمد سرانه متوسط و کشورهای با درآمد پایین حاکی از آن است که، در هر ۴ مدل، مقدار این ضریب در کشورهای با درآمد سرانه متوسط بیشتر از کشورهای با درآمد پایین است و از این منظر مطابق با ناحیه (۲) نمودار یک می‌باشد. علاوه بر این، نتایج حاکی از آن است که در کشورهای با درآمد سرانه متوسط، تولید ناخالص داخلی نسبت به نیروی کار حساسیت بیشتری نسبت به سرمایه دارد (که در هر ۴ مدل تأیید می‌شود). همچنین با توجه به نتایج حاصل شده، در زمینه نحوه تأثیر جنبه‌های مختلف جهانی شدن بر رشد اقتصادی، می‌توان استدلال کرد که، هر ۴ شاخص جهانی شدن، تأثیر مثبت و معنی داری در کشورهای مذکور دارد که بر عکس کشورهای با درآمد سرانه پایین، این نوع کشورها قابلیت و توانایی حضور در بازارهای جهانی و رقابت در صحنه جهانی را دارند. جهانی شدن در این نوع کشورها با جنبه‌های مختلف، دارای تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی است.

جدول (۴): نتایج تخمین رابطه بین کنترل فساد و جهانی شدن با رشد اقتصادی در کشورهای با درآمد سرانه متوسط

روش تخمین: حداقل مربعات تعمیم یافته با استفاده از اثرات ثابت متغیر وابسته LGDP

متغیر	مدل (۲)	مدل (۳)	مدل (۴)	مدل (۵)
LLAB	۰/۹۱۶* (۲۸/۱۷)	۰/۸۳۶* (۲۷/۹۶)	۰/۸۱* (۲۳/۱۷)	۰/۸۱۳* (۲۳/۱۲۶)
LKAP	۰/۲۹۹* (۳۲/۰۷)	۰/۲۷۳* (۱۲/۴۸)	۰/۳۰* (۳۰/۸۹)	۰/۲۸۶* (۲۷/۲۶)
CORR	۰/۰۵۲* (۶/۱۷۵)	۰/۰۳۲* (۴/۷۹)	۰/۳۳* (۴/۰۰)	۰/۰۲۹* (۳/۱۹۳)
ECO	۰/۰۰۱ (۳۰/۸۰۴)			
SOC		۰/۰۰۹* (۹/۱۸۲)		
PLO			۰/۰۰۳* (۶/۴۸)	
OVER				۰/۰۰۷* (۸/۱۰)
	R^2 تعدیل شده: ۰/۹۹	R^2 تعدیل شده: ۰/۹۹	R^2 تعدیل شده: ۰/۹۹	R^2 تعدیل شده: ۰/۹۹
	آماره F لیمر: ۴۷۰/۲۱	آماره F لیمر: ۶۲۷/۲۱	آماره F لیمر: ۴۹۶/۷۷	آماره F لیمر: ۴۷۲/۹۲
	آزمون هاسمن: ۱۲۲/۶۵۰	آماره آزمون هاسمن: ۹۴/۳۰	آماره آزمون هاسمن: ۱۳۰/۲۵	آماره آزمون هاسمن: ۱۰۹/۴۲

اعداد داخل پارانتر آماره t هستند

***: به ترتیب سطوح معناداری ۱، ۵، ۱۰ درصد است.

جدول (۵): نتایج تخمین رابطه بین کنترل فساد و جهانی شدن با رشد اقتصادی در کشورهای با درآمد سرانه بالا

روش تخمین: حداقل مربعات تعمیم یافته با استفاده از اثرات ثابت متغیر وابسته LGDP

متغیر	مدل (۲)	مدل (۳)	مدل (۴)	مدل (۵)
LLAB	۰/۴۴* (۱۰/۶۱)	۰/۴۴* (۱۱/۰۴)	۰/۳۱* (۷/۹۸)	۰/۳۳* (۹/۹۷)
LKAP	۰/۳۲* (۲۲/۳۶)	۰/۳۳* (۲۵/۳۷)	۰/۳۳* (۲۶/۲۵)	۰/۴۵* (۲۱/۵)
CORR	-۰/۰۴** (-۴/۷۳)	-۰/۰۳۲* (-۵/۰۷)	-۰/۰۳* (-۳/۴۳)	-۰/۰۴* (-۳/۸۸)
ECO	۰/۰۰۳* (۵/۵۱)			
SOC		-۰/۰۰۳** (-۲/۵۲)		
PLO			۰/۰۰۴* (۷/۶۱)	
OVER				۰/۰۰۸* (۸/۲۸)
	R^2 تعدیل شده: ۰/۹۹	R^2 تعدیل شده: ۰/۹۹	R^2 تعدیل شده: ۰/۹۹	R^2 تعدیل شده: ۰/۹۹
	آماره F لیمر: ۳۱۷/۳۹	آماره F لیمر: ۲۷۵/۳	آماره F لیمر: ۲۳۱/۱	آماره F لیمر: ۲۳۸/۸
	آماره آزمون هاسمن: ۵۵۴/۲	آماره آزمون هاسمن: ۵۳۷/۷	آماره آزمون هاسمن: ۶۲۰/۰	آماره آزمون هاسمن: ۶۳۷/۲

اعداد داخل پارانتر آماره t هستند

***: به ترتیب سطوح معناداری ۱، ۵، ۱۰ درصد است.

مأخذ: نتایج تحقیق

۵-۲-۴- نتایج تخمین تأثیر کنترل فساد و جهانی شدن (با جنبه‌های مختلف) بر رشد اقتصادی در کشورهای با درآمد سرانه بالا

نتایج تخمین مدل برای ۴۱ کشور با درآمد سرانه بالا با استفاده از روش اثرات ثابت در جدول ۵ گزارش شده است. با توجه به نتایج، تمام ضرایب در سطح زیر ۱۰ درصد معنی‌دار است. در این مدل تأثیر کنترل فساد بر رشد اقتصادی در کشورهای با درآمد سرانه بالا مطابق انتظار بوده و در تمام مدل‌ها منفی و معنی‌دار است که مطابق با ناحیه (۳) نمودار یک می‌باشد. چنانچه قبلاً ذکر شد، رابطه غیرخطی بین کنترل فساد و رشد اقتصادی در این نوع کشورها وجود دارد که حد آستانه‌ای فساد در این کشورها صفر نیست. در حقیقت علت تأثیر منفی کنترل فساد در یک مدل خطی پائین به علت عدم لحاظ حد آستانه‌ای کنترل فساد در مدل است، که در قسمت‌های قبلی به طور دقیق نحوه رفتار رشد اقتصادی در مقابل کنترل فساد بررسی شد و در این قسمت مقاله توجه بیشتر به نحوه ارتباط جهانی شدن و رشد اقتصادی معطوف است. بررسی کشش نیروی کار و سرمایه در کشورهای با درآمد سرانه بالا نشان می‌دهد در مدل‌های ۲ و ۳ نیروی کار نسبت به سرمایه، تولید ناخالص داخلی را بیشتر تحت تأثیر قرار می‌دهد و در مدل‌های ۴ و ۵ تأثیر سرمایه بیشتر است. مدل مورد بررسی نشان دهنده تأثیر مثبت و معنی‌دار هر ۴ شاخص جهانی شدن بر رشد اقتصادی کشورهای با درآمد سرانه بالا می‌باشد. به نحوی که با توجه به شاخص کل جهانی شدن و مقایسه با دو گروه کشورهای قبلی می‌توان نتیجه گرفت که در فرآیند جهانی شدن، بیشترین نفع را کشورهای با درآمد سرانه بالا می‌برند.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

در راستای بررسی تأثیر کنترل فساد و جهانی شدن (با جنبه‌های مختلف) بر رشد اقتصادی با به‌کارگیری الگوی حداقل مربعات تعمیم یافته با استفاده از اثرات ثابت، به بررسی تجربی رابطه بین متغیرهای مورد بررسی برای دوره (۲۰۱۰-

۲۰۰۲) با استفاده از داده‌های سالانه ۱۱۳ کشور مختلف جهان، با گروه‌بندی کشورها به کشورهای با درآمد سرانه بالا، کشورهای با درآمد سرانه متوسط و کشورهای با درآمد سرانه پائین، پرداخته شده است.

نتایج حاصل از آزمون ریشه واحد پانلی لوین و همکاران، برای متغیرهای مورد بررسی حاکی از آن است که تمام متغیرهای موجود در تحقیق، مانا می‌باشند، بنابراین، مدل‌های مختلف تحقیق را برآورد نمودیم و نتایج تحقیق نشان دهنده یک رابطه U معکوس بین کنترل فساد و رشد اقتصادی می‌باشد، به نحوی که برآورد مدل تأثیر کنترل فساد بر رشد اقتصادی (با استفاده از مجذور کنترل فساد و خود متغیر کنترل فساد) با استفاده از داده‌های ۱۱۳ کشور مختلف جهان، نشان دهنده رابطه U معکوس بین متغیرهای ذکر شده می‌باشد. کنترل فساد در مراحل اولیه رشد اقتصادی دارای تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی است اما بعد از گذشت حد آستانه‌ای دارای تأثیر منفی بر رشد اقتصادی می‌باشد. با تقسیم‌بندی کشورها به سه گروه، کشورهای با درآمد سرانه بالا، کشورهای با درآمد سرانه متوسط و کشورهای با درآمد سرانه پائین (بر اساس تقسیم‌بندی بانک جهانی)، به بررسی دقیق رابطه بین کنترل فساد و جهانی شدن با رشد اقتصادی، در سه گروه کشورهای ذکر شده پرداخته شده است و نتایج دال بر صحت رابطه U معکوس بین کنترل فساد و رشد اقتصاد می‌باشد (که قبلاً نیز براساس داده‌های ۱۱۳ کشور مختلف تأیید شده بود). زیرا با توجه به مدل‌های برآورد شده، در کشورهای با درآمد سرانه پائین، کنترل فساد تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی دارد، زیرا عملاً، میزان فساد در این نوع کشورها در سطح بالایی است، چنانچه میزان کنترل فساد در این نوع کشورها افزایش یابد می‌تواند عاملی مهم در جهت افزایش رشد اقتصادی باشد، همچنین کنترل فساد بر رشد اقتصادی در کشورهای با درآمد متوسط، تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد، اما میزان این تأثیر از لحاظ عددی کمتر از کشورهای با درآمد سرانه پائین است و در نهایت در مورد کشورهای با درآمد



سرمایه‌گذاری خارجی (به علت شرایط خاص اقتصادی و اجتماعی این کشورها)، در عمل جهانی شدن اقتصادی تأثیر منفی بر رشد اقتصادی این کشورها دارد. اما با توجه به نتایج، جهانی شدن سیاسی تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی این نوع کشورها دارد که می‌تواند به علت افزایش قدرت سیاسی و قدرت نفوذ سیاسی کشور در عرصه جهانی باشد. همچنین شاخص کل جهانی شدن تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی این نوع کشورها دارد، و نیز هر سه جنبه جهانی شدن (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی) و شاخص کل جهانی شدن تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی کشورهای با درآمد متوسط و کشورهای درآمد بالا دارد که می‌تواند به علت قابلیت‌ها و پتانسیل بالای این نوع کشورها برای حضور در صحنه رقابت جهانی باشد به نحوی که با جهانی شدن بیشترین نفع را این نوع کشورها می‌برند. همچنین، با توجه به اینکه ایران در این گروه بندی، جزء کشورهای با درآمد متوسط می‌باشد و از سویی با توجه به تأثیر مثبت جهانی شدن در این نوع کشورها و نیز با توجه به اینکه در رتبه‌بندی مؤسسه KOF برای سال‌های ۱۹۹۰، ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰ ایران در بین ۱۰ کشور آخر از لحاظ جهانی شدن اقتصادی می‌باشد، بنابراین یک ضرورت است که گام‌هایی در جهت جهانی شدن (به خصوص جهانی شدن اقتصادی)، برداشته شود.

سرانه بالا نحوه این تأثیر منفی و معنی‌دار ارزیابی شد که علت اصلی این تأثیر، به میزان بسیار پائین فساد در این نوع کشورها بستگی دارد به نحوی که با کاهش میزان کنترل فساد و ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مختلف، امکان رشد اقتصادی نیز وجود دارد. در حقیقت به منظور بررسی دقیق کنترل فساد و رشد اقتصادی در کشورهای با درآمد سرانه بالا، با استفاده از توان دوم و توان سوم متغیر کنترل فساد، مشخص شد که در این نوع کشورها برخلاف کشورهای با درآمد پائین و متوسط، حد آستانه‌ای فساد صفر نیست و مقادیر اولیه فساد تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی دارد اما پس از گذشت حد آستانه‌ای تأثیر فساد بر رشد اقتصادی منفی می‌شود. از سویی دیگر تأثیر جهانی شدن اقتصادی و جهانی شدن فرهنگی تأثیر منفی بر رشد اقتصادی کشورهای با درآمد سرانه پائین دارد که علت اصلی این تأثیر می‌تواند به دلیل عدم توانایی اقتصادی و فرهنگی این کشورها برای حضور در صحنه رقابت جهانی باشد، زیرا محصولات تولیدی و صادراتی این نوع کشورها عمدتاً، محصولات کشاورزی می‌باشد که قابلیت رقابت با محصولات صنعتی و کشاورزی مدرن کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته را ندارد، و در عمل به جای افزایش صادرات، به وارد کننده بزرگ محصولات صنعتی کشورهای پیشرفته تبدیل می‌شوند. همچنین به علت عدم توانایی این نوع کشورها در جذب

منابع

دل‌انگیزان، سهراب؛ شریف کریمی، محمد و خالوندی، زینب (۱۳۹۳). بررسی اثر شاخص دانش بنیانی اقتصاد بر رابطه درک فساد مالی و رشد (رهیافت داده‌های تابلویی پویا). فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال چهارم، شماره ۱۵، ۸۷-۱۰۴.

رحیمی بروجردی، علیرضا (۱۳۸۵). مطالعه نظری و کاربردی پیرامون درجه باز بودن تجاری در کشورهای در حال توسعه. پژوهش نامه اقتصادی، شماره ۲۳، ۱۸۲-۱۶۳.

احمدی، علی محمد؛ دهنوی، جلال و حق‌نژاد، امین (۱۳۹۰). رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه: یک تجزیه و تحلیل مبتنی بر داده‌های پانلی. پژوهشنامه اقتصادی، سال ۱۱، شماره ۲، ۱۵۹-۱۸۰.

برادران شرکاء، حمیدرضا و ملک‌الساداتی، سعید (۱۳۸۷). تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب. فصلنامه راهبرد، سال ۱۷، شماره ۴۹، ۵۲-۲۹.

- رفعت، بتول و بیکزاده، سعید (۱۳۹۱). کاربرد الگوی معادلات همزمان داده‌های تابلویی در تحلیل نقش یکپارچگی اقتصادی اکو بر اشتغال و رشد. *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، دوره ۲، شماره ۸، ۹-۲۲.
- رومر، دیوید (۱۹۸۶). اقتصاد کلان پیشرفته. ترجمه: مهدی تقوی، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات.
- سامتی، مرتضی؛ عمادزاده، مصطفی و رئیسی دهکردی، شهرام (۱۳۹۱). شبیه سازی تأثیر فساد بر رشد اقتصاد ایران. *فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)*، دوره ۹، شماره ۲، ۴۹-۶۹.
- سلمانی، بهزاد و یآوری، کاظم (۱۳۸۳). سیاست تجاری و رشد اقتصادی: مورد کشورهای صادرکننده نفت. *فصلنامه پژوهش‌نامه بازرگانی*، شماره ۳۰، ۳۷-۶۶.
- صباحی، احمد و ملک‌الساداتی، سید سعید (۱۳۸۸). اثر کنترل فساد مالی بر رشد اقتصادی. *فصلنامه پژوهش‌نامه بازرگانی*، شماره ۵۳، ۱۵۸-۱۳۱.
- عاشورزاده، اعظم؛ مقدسی، محدثه و رضوی، سید عبدالله (۱۳۹۲). اثر جهانی شدن اقتصاد و تجارت بر رشد اقتصادی مدل خودتوضیحی برداری. اولین همایش الکترونیکی ملی چشم انداز اقتصاد ایران با رویکرد حمایت از تولید ملی، ۲۸ آذر ماه ۱۳۹۲.
- مبارک، اصغر و آذریپوند، زیبا (۱۳۸۸). نگاهی به شاخص‌های حکمرانی خوب از منظر اسلام و تأثیر آن بر رشد اقتصادی. *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، سال ۹، شماره ۳۶، ۱۷۹-۲۰۸.
- مهدوی، روح‌الله، جهانگرد، اسفندیار و ختائی، محمود (۱۳۸۹). تأثیر توسعه بازار مالی در تأثیر گذاری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی در کشورهای میزبان با استفاده از روش داده‌های تابلویی. *فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی*، شماره ۲، ۴۰-۲۱.
- هادی زنون، بهروز و کمالی دهکردی، پروانه (۱۳۸۸). اثر FDI بر رشد اقتصادی کشورهای میزبان منتخب. *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، سال ۱۳، شماره ۳۹، ۱۳۶-۱۱۳.
- Aidt, T., Dutta, J. & Sena, V. (2008). Governance Regimes, Corruption and Growth: Theory and Evidence. *Journal of Comparative Economics*, 36, 195-220.
- Barro, Robert J. & Sala-I-Martin, X. (1992). Convergence. *Journal Of Political Economy*, 100(2), 223- 251.
- Blomström, M., Lipsey, R. E. & Mario, Z. (1992). What Explains Developing Country Growth?. *NBER Working Paper*, 4132.
- Campos, N., Dimova, R. & Saleh, A. (2010). Whither Corruption? A Quantitative Survey Of The Literature on Corruption and Growth. *IZA Discussion Paper*, 5334.
- Carlos, N. (2012). Economic Growth, Globalization and Trade. *Journal of Management Research and Practice*, 4(3), 18-24.
- Dreher, A. (2006). Does Globalization Affect Growth? Evidence from A New Index of Globalization. *Applied Economics*, 38 (10), 1091-1110.
- Garrett, G. (2001). The Distributive Consequences of Globalization. UCLA, MS. working paper yale university, <http://www.yale.edu/leitner/papers.html>.
- Gurgul, H. & Lach, L. (2014). Globalization and Economic Growth: Evidence from Two Decades of Transition in CEE. *Economic Modelling*, 36, 99-107.
- Mendez, F. & Sepulveda, F. (2006). Corruption, Growth and Political Regimes: cross country evidence. *European Journal of Political Economy*, 22, 82- 98.
- Mo, P. H. (2001). Corruption and Economic Growth. *Journal of Comparative Economics*, 29, 66-79.
- Rao, B. B. & Valadamanti, K. C. (2010). Globalization & Growth in The Low Income African Countries With The Extreme Bounds



- Analysis. *Journal of Economic Modelling*, 28(3), 795-810.
- Rodrik, D. (2007). Saving Globalization from Its Cheerleaders. *Journal of International Trade and Diplomacy*, 1(2), 1–33.
- Saha, S. & Mallik, G. (2012). Is Corruption Always Growth-Inhibitory? A Cross-National Study in Non-Linear Frame Work. *The 41st Australian Conference of Economists*, Melbourne, Australia, July 8-11, 2012.
- Stiglitz, J.E. (2002). *Globalization and Its Discontents*. W.W. Norton, New York.
- Swaleheen, M. (2011). Economic Growth With Endogenous Corruption: An Empirical Study. *Journal of Public Choice*, 146, 23-41.
- Wacziarg, R., & Welch, K. H. (2008). Trade Liberalization and Growth: New Evidence. *World Bank Economic Review*, 22(2), 187–231.